

مواجهه ارزش‌های دینی و بلایای همه‌گیر؛ فرصت‌ها و چالش‌ها

نویسنده: دکتر محمدرضا کلان‌فریبایی (ایران)^۱

پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۱۶

دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۰۶

چکیده

چگونگی مواجهه ارزش‌های دینی با بلایای همه‌گیر در طول تاریخ ادیان جهان برای پیروان آن‌ها مطرح بوده و چالش‌هایی به همراه داشته است. نگرش حداکثری ادیان به زندگی این چالش‌ها را تشدید کرده است؛ اما هر چه نگرش‌ها حداقلی شده است، چالش‌های علم در برابر بلایای همه‌گیر افزایش پیدا کرده است. ویروس کرونا صرفاً یک بیماری عالم‌گیر نبود؛ بلکه شوک اجتماعی-سیاسی بود که زمینه انتقاد به سیاست‌های اقتصادی-اجتماعی را مهیا کرد، شوکی که می‌تواند تغییرات اساسی ایجاد کند؛ تغییراتی که تاریخ ایران شبیه آن را ممکن است تجربه نکرده باشد. به نظر می‌رسد استخراج نقاط قوت و ضعف این موضوع در حوزه ادیان با رویکرد دفاع از ارزش‌ها می‌تواند با مدل «سوات» مورد سنجش قرار گیرد. نکته مهم این‌که همواره خرافه در میان ارزش‌های دینی سبب کاهش نقش دین در زندگی شده و میزان ایمان پیروان ادیان را تنزل داده است. تئوری این مسئله با طرح گفتمان خرافه‌گرایی و غلو در فرایند گسترش دین در جامعه دینی ارتباط تنگاتنگ دارد. بر این اساس، این پژوهش در صدد پاسخ به این سؤال بوده است که مفاهیم و ارزش‌های دینی در مواجهه با بلایای همه‌گیر، چگونه می‌تواند امتداد داشته باشد؟ نتایج پژوهش در راستای پاسخ به این سؤال، به طرح این فرضیه پرداخته است که ادیان هر گاه دچار افراط و غلو شده‌اند، در برابر بحران‌های اجتماعی و طبیعی توان رشد خود را از دست داده‌اند. از طرفی با توجه به هدف این پژوهش که عبارت بوده است از ایفای نقش اساسی ادیان در پیشرفت زندگی انسان، شاخص الگوی تعامل دین و علم است؛

۱. سطح چهار فقه و اصول، گروه فقه و اصول، حوزه علمیه، قم، ایران،

لذا روش مورد استفاده در این پژوهش، مطالعات تطبیقی با روش میان رشته‌ای، تعامل گسترده میان دین و علم را ممکن ساخته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد تحقق ارزش‌ها در عرصه نظری و عملی، عنصر کارآمد دین و علم در زندگی انسان است که پیشرفت را در ابعاد مادی و معنوی برای او فراهم می‌کند؛ لذا سودمندی ایده تعامل توأمان علم و دین برای پیروان دین اسلام دستاورد این مقاله است.

واژگان کلیدی: ارزش‌های دینی، بلایای همه‌گیر، چالش‌ها و فرصت‌ها

مقدمه

از نظر تاریخی، بیماری‌ها تا حدود ۳۹۰۰ سال قبل از میلاد مسیح بلای آسمانی به شمار می‌آمدند و به دلیل عدم پیشرفت‌های علمی، کسی به درمان و رسیدگی به حال بیماران اقدام نمی‌کرد؛ با این وجود، مردم دوران پیشاتاریخ با توجه به تجربه‌ها و اعتقادات مذهبی یا خرافی خود به گونه‌ای از بیمار شدن جلوگیری یا پیشگیری می‌کردند.

وجود اعتقادات خرافی میان مردم جوامع مختلف از جمله ایران در مواجهه با بیماری‌ها واقعیتی انکارناپذیر است. برخی از باورها به این دلیل خرافی تلقی می‌شوند که علم هنوز قادر به توضیح یا اثبات آن‌ها نیست؛ با این حال امروزه بخش عمده‌ای از ارزش‌های ادیان در برابر میانگین دانش مردم، غیر واقعی و نادرست به نظر می‌رسد. به طور کلی، برخی باورهای ریشه در افسانه‌ها دارند و از قرائت خاص از اصول مذهبی ناشی می‌شود.

در روزهای اخیر بی‌اعتنایی بعضی افراد به پروتکل‌های پزشکی و تظاهر به روش‌های نادرست در جستجوی معالجه بیماری کرونا، به ویژه حرکت‌های موهن در حرم‌های متبرک شیعه و انتشار تصاویر و فیلم‌های آن موجب شد در فضای عمومی، برخی دین و متدینان را به دوری از روش عقلانی و مخالفت با علوم و روش‌های علم پزشکی و اساس عقلانیت متهم کنند که بررسی این مسئله بدون ارزیابی خوانش‌های تقابل و واگرایی قابل سنجش نیست.

فاقد دانش‌بنیان بودن ارزش‌های ادیان میان پیروان و دین، گسست اجتماعی را تقویت می‌کند که از بازتولید نظام فقه‌ای یا کلامی آن دین ناشی می‌شود؛ چنان‌چه اگر از انحراف و خرافه‌گرایی در عملکرد دینی پیروان پیشگیری نشود، گسست میان ادیان و جامعه بیشتر خواهد شد.

در این میان، کرونا بحرانی است فراگیر که همه نهادهای جامعه و کشور را درگیر خود کرده است؛ از خانواده تا نهادهای آموزش، اقتصاد، دولت، رسانه و دین همه به نوعی درگیر آن هستند. بحران عصر کرونا تنها شامل سلامت عمومی نبوده و بحران سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و دینی نیز محسوب می‌شود.

به نظر می‌رسد در شرایطی که شیوع ویروس کرونا بسیاری از مشاغل و صنوف کشور را تحت تأثیر قرار داده است، لازم است همگان با شعور بالای ایرانی و تاریخی ضمن درک این شرایط به یاری دیگر هموطنان بروند.

در بحران‌های اجتماعی اولین چیزی که ممکن است مورد هجوم قرار گیرد، دین و حکومت دینی است که ممکن است آسیب ببیند. بنابراین نخبگان با پذیرش جایگاه علم و دین در زندگی، لازم است اهداف کلان کشور را با متغیر کرونا مورد بازتعریف قرار دهند و اندیشه‌وران دینی نیز با متغیر کرونا منتظر تحول عظیم در ظرفیت‌ها و چالش‌های علم کلام، فقه و سایر دانش‌های اسلامی در مواجهه با رنج‌های بشری باشند؛ هم‌چنین در مناط اندیشی فقه، ضرورت پاسخ‌های جامع و فوری به چالش‌های پسا کرونا برای فقها دوچندان اهمیت می‌یابد.

مفاهیم پایه

۱. ارزش

ارزش در اصطلاح جامعه‌شناسی، عقایدی است که افراد یا گروه‌های انسانی درباره آن‌چه مطلوب و مناسب و خوب یا بد است، دارند. ارزش‌های گوناگون،

نمایان‌گر جنبه‌های اساسی در فرهنگ انسانی است. ارزش‌ها از عادت و هنجار سرچشمه می‌گیرند. (رفیع‌پور، ۱۳۷۷)

به طور کلی، به کارهایی که برای اعضای گروه اهمیت دارد و آرمان مشترک اعضای گروه تلقی می‌شود، ارزش می‌گویند. ارزش‌های یک جامعه از هنجارهای آن دفاع می‌نمایند.

ارزش؛ نخست به منزله آرمانی متجلی می‌شود که خواستار پیوستگی است و دعوت به احترام می‌کند و دوم، در اشیا یا رفتارهایی جلوه‌گر می‌شود که آن را به شیوه‌ای عینی یا سمبلیک (نمادین) بیان می‌کند.

به نظر می‌رسد مجموعه ارزش‌ها اخلاق را می‌سازد. اخلاق انسانی، ارزش‌هایی هستند که از فطرت نوعی انسان سرچشمه می‌گیرد و درجه تکامل نوع انسان، برحسب درجه رشد این ارزش‌ها ارزیابی می‌شود. در این راستا، مهم‌ترین رسالت ادیان، رسالت ترویج اصول و ارزش‌های اخلاقی است؛ از این رو، ادیان بر ارزش‌های انسانی و اخلاقی تأکید دارند؛ چرا که هدف ادیان این است تا جامعه انسانی را انسانی‌تر و اخلاقی‌تر کند و به تبع آن در بیشتر ادیان به ویژه دین مبین اسلام، ارزش‌های اخلاقی با دین سازگاری دارند. (علی حسینی و شمس، ۱۳۹۵)

۲. بلایای طبیعی

بلایای طبیعی به مجموعه‌ای از حوادث زیان‌بار گفته می‌شود که منشأ انسانی ندارند. این حوادث غیر قابل پیش‌بینی بوده یا حداقل از مدت‌ها قبل نمی‌توان وقوع آن را پیش‌بینی نمود. این بلایا دارای انواع گوناگونی است؛ اعم از زلزله، سیل، طوفان، گردباد، سونامی، تگرگ، بهمن، رعد و برق، تغییرات شدید درجه حرارت، خشکسالی و آتشفشان.

برخی از بلایای طبیعی به طور غیر مستقیم ناشی از عملکردهای انسانی هستند. برای مثال بلایای ناشی از افزایش آلودگی هوا، گرم شدن زمین و سیل ناشی از

تخریب جنگل‌ها به دست انسان از این جمله هستند و برخی منشأ طبیعی دارند که به هر دو نمونه در این نوشتار، بلایای همه‌گیر اطلاق شده است. (<http://www.Asemankafinet.ir>)

برخی بلایای طبیعی مانند کروناویروس^۱ خانواده بزرگی از ویروس‌ها و زیرمجموعه کروناویریده هستند که از ویروس سرماخوردگی، سارس، مرس و کووید-۱۹ را شامل می‌شود. کروناویروس‌ها در سال ۱۹۶۵ میلادی کشف شدند و مطالعه بر روی آن‌ها به طور مداوم تا اواسط دهه ۱۹۸۰ ادامه داشت. این ویروس به طور طبیعی در پستانداران و پرندگان شیوع پیدا می‌کند؛ تاکنون ۷ ویروس کرونا منتقل شده به انسان، کشف شده است و آخرین نوع آن کرونا۱ جدید کووید-۱۹^۲ است که در دسامبر ۲۰۱۹ میلادی در شهر ووهان چین با همه‌گیری در انسان شیوع پیدا کرد. همه‌گیری کرونا اولین بحرانی است که کل سیستم با آن مواجه شده است.

۳. بلایای طبیعی همه‌گیر

تحلیلگران تا دهه‌های پایانی سده بیستم از ورود مخاطرات همه‌گیر^۳ به جامعه تلاش چندانی نداشتند؛ اما سیاستمداران و تحلیلگران به تدریج وارد فضای فکری جدید شدند تا آن‌جا که در سال ۲۰۱۲ میلادی رئیس جمهور وقت اندونزی-سوسیلو بامبانگ یوده‌یونو^۴- در مراسم افتتاحیه پنجمین کنفرانس وزیران آسیایی برای کاهش مخاطرات بلایا اعلام کرد دولت، کاهش بلایای طبیعی را اولویت ملی نخست خود قرار داده است؛ زیرا دریافته که بلایای طبیعی در اشکال گوناگون آن بزرگترین تهدید برای این کشور هستند.

1. Coronaviruses

2. nCoV-2019

3. Pandemic

4. Susilo Bambang Yudhoyono

هم‌چنین در کشوری مثل آمریکا که مباحث امنیت ملی خود را در سطح پیچیده‌تری پیگیری می‌کند، وزارت دفاع از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۸ میلادی بیش از گزارش منتشر کرده است که در آن‌ها آشکارا به تهدیدات ناشی از تغییرات اقلیمی و رویدادهای طبیعی اشاره شده است. راهبرد موسوم به امنیت میهن^۱ آمریکا که تا پیش از این بر حملات تروریستی متمرکز بود، به نحوی تغییر کرد تا همه نوع مخاطرات تهدید کننده سرزمین و مردم آمریکا از جمله بلایای طبیعی را مد نظر قرار دهد.

به این ترتیب، بلایای طبیعی جای خود را باز کرد. شکی نیست که فجایع طبیعی می‌تواند تأثیرات ویرانگری بر افراد و اقامتگاه‌های شهری و روستایی داشته باشد. آن‌ها می‌توانند در کمترین زمان ممکن خانواده‌های زیادی را داغدار نمایند، آثار روحی و روانی درازمدتی بر مردم و جماعت‌های آسیب‌دیده بر جای گذارند، ممکن است میلیارد‌ها ریال خسارت بر اقتصاد کشورها تحمیل کنند، زیرساخت‌ها را ویران کنند و فرایند توسعه را شاید برای سال‌های طولانی مختل نمایند.

در عین حال، تحلیلگران به تدریج در حال آغاز بحثی هستند مبنی بر این‌که بلایای طبیعی ممکن است علاوه بر تهدیدات محلی و منطقه‌ای بر امنیت ملی و ارزش‌های دینی به معنای درهم تنیده مردم و حکومت نیز تأثیرات حادی داشته باشد. برخی از ابعاد و زوایای این بحث با رویکرد فرهنگی نیز مورد توجه نویسنده قرار گرفته است. بر این اساس نقطه تمرکز تحلیل این پژوهش، سازوکارهای احتمالی تأثیرگذاری بلایای طبیعی بر ارزش‌های دینی است.

۴. خرافه

«خرافه» واژه‌ای عربی و «خرفه» با ضم حرف «خ» به معنی حکایت، قصه یا عقیده‌ای فاسد و رأی باطل است که جمع آن خرافات است. در واژه‌نامه‌ها و در

تعریف کلمه خرافات چنین آمده است: اعتقادات بی‌اساسی که با عقل، منطق و واقعیت سازگاری نداشته باشد. خرافه‌پرستی نیز عبارت است از پیروی از عقاید باطل و بی‌اساسی که با درجه فرهنگ و دانش جامعه‌ای که فرد خرافی متعلق به آن است، تناسبی نداشته باشد. خرافه در لغت به معنای زوال خرد و یا کلام و سخن دروغ و ناصوابی است که به صورت خنده‌داری درآمده است.

علامه طباطبایی سخن و اعتقاد بدون دلیل و غیرمستند را خرافه می‌داند. ایشان، پاره‌ای اقوال و احتمال‌هایی را که مفسرین داده‌اند، خرافه‌گویی می‌داند. معنای خرافه دینی، رفتار، گفتار، اعتقاد، معارف و احکام، ایمان و تجربه دینی بدون دلیل و علت، برهنه از حقیقت و واقعیت، معارض و منافی با خرد سلیم بشری، اثبات‌ناپذیر و متعارض با مبانی و اصول قوانین دینی و ناسازگار با مقاصد و گوهر دین است. (به نقل از همایون مصباح، ۱۳۸۸)

ویلفردو پاره‌تو^۱ - جامعه‌شناس ایتالیایی و صاحب نظریه حکومت نخبگان در علم سیاست، قانون ۸۰/۲۰ در علم مدیریت و اصل بهینگی در علم اقتصاد - خرافات را قوای مرموز سحرآمیزی تعریف کرده که از دنیای تخیلات ریشه گرفته، با فرهنگ آمیخته و از سوی اعضای اجتماع به عنوان یک امر طبیعی پذیرفته شده بیان شده است. متفکران بسیاری معتقدند خرافه مترادف با اعتقاداتی است که مبنای تجربی و علمی برای آن نمی‌توان فرض کرد.

در یک جمع‌بندی کلی خرافه را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: سلسله باورها و عقاید شکل گرفته حول یک موضوع خاص در ذهن اقشاری که عمدتاً دانش کافی نسبت به موضوع ندارند. بر این اساس، خرافه بیشتر ناشی از جهل و ناآگاهی انسان درباره پیوندها و روابط علی پدیده‌ها است.

مبانی نظری پژوهش

مواجهه دین و ارزش‌های دینی با بلایای طبیعی از طریق ۶ سازوکار می‌تواند تهدیدها و فرصت‌ها را برای جامعه تبیین کند که در ادامه سازکارهای یاد شده به عنوان متغیرهای تأثیرگذار در دینداری فردی و اجتماعی در حکومت دینی مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد:

۱. ترکیب دین و خرافه

خرافه‌گرایی و ترکیب ارزش‌های دینی با خرافه در شرایط بحرانی هنگام مواجهه و پس از بلایای طبیعی به ویژه اگر سطح گسترده‌ای را درگیر کند یا بخش قابل توجهی از امکانات کشور را به خود مشغول سازد، خطر دین‌گریزی و دین‌ستیزی و آشوب‌های اجتماعی را در حکومت دینی افزایش می‌دهد.

ویژگی شرایط بحرانی ناشی از این‌گونه سوانح، سطح بالای تداخل کارکردی، ابهام و هراس همه‌گیر و سطح بالای نارضایتی اجتماعی را در پی خواهد داشت؛ حتی چنانچه فاجعه‌هایی مثل زلزله، طوفان، سیل یا ویروس کرونا در شهرهای دارای مرکزیت سیاسی و در سطح وسیع رخ دهد، احتمال دین‌ستیزی و تزلزل در اعتماد به توانایی‌های حکمرانی دینی وجود دارد. تمام این موارد قابلیت این را دارند که حفره‌های دین‌گریزی و دین‌ستیزی را در کنار تهدیدات داخلی و خارجی آشکار کنند.

در مورد عوامل پیدایش عقاید خرافی در جامعه، نظریه‌های متفاوتی وجود دارد که از جمله آن‌ها می‌توان به ترس‌ها و فشارهای محیطی اشاره کرد. نگاهی گذرا به تاریخ زندگی انسان نشان می‌دهد، پیدایش خرافات ناشی از هراس‌های ناگهانی از شرایط مادی و روحی پیرامون انسان است و این اندیشه‌های خرافی در گذر زمان به نسل‌های بعدی منتقل شده و این روند خرافی در برخی شهرهای مذهبی توسط گروهی از دین‌داران همچنان ادامه دارد.

محققان یکی از عوامل مهم پیدایش و رشد خرافات را جهل و خامی بشر می‌دانند و معتقدند به هر اندازه انسان از درک حقایق، رابطه منطقی پدیده‌ها، قانون علت و معلول

تشخیص و فهم واقعیات عاجز باشد، به همان نسبت دچار خرافات و خرافه‌پرستی می‌شود؛ زیرا انسان خرافی در برخورد با مشکلات از شناخت راه‌حل‌های علمی، عقلی و منطقی عاجز می‌ماند و اندیشه علت‌یابی او نسبت به بلایای فراگیر به دلیل فقدان آگاهی علمی ضعیف می‌شود. در نتیجه برای تسکین و اقناع خویش به هر اوهام و خیالی متوسل و معتقد می‌شود.

از آن‌جا که بشر قبیله‌ای قادر به تفاوت میان قوانین طبیعی و قوانین اجتماعی که ناشی از عملکرد زندگی اجتماعی انسان‌ها است، نبوده؛ قوانین اجتماعی را لایتغیر فرض می‌کند و به جای ترمیم و اصلاح آن‌ها چنین درمی‌یابد که با همان اهرم‌های قبیله‌ای که با قوانین طبیعی مواجه می‌شد، می‌تواند با پدیده‌ها و مسائل اجتماعی نیز روبرو شود. در نتیجه از ابزارهای نفرین و جادو برای مهار امور اجتماعی جاری سود می‌برد. از طرفی روانشناسان و مورخان علت عمده اعتقاد به خرافات را تقلید کورکورانه می‌دانند و این نظریه را به همه جوامع بشری تعمیم می‌دهند. آن‌ها معتقدند خرافات از دوران کودکی تلقین می‌شود؛ لذا تأثیر خود را همیشه نگه می‌دارد و پیوسته قوی‌تر می‌شود. پایگاه اجتماعی - اقتصادی نقش تعیین‌کننده‌ای در این خصوص دارد. صرف‌نظر از نام‌های گوناگون هم‌چون موقعیت طبقاتی یا منزلت اجتماعی که به پایگاه اقتصادی و اجتماعی داده می‌شود، این مفهوم یا سازه از مهم‌ترین و کاربردی‌ترین متغیرهای مستقل در تحلیل رفتارها، ایستارها، عقاید افراد و موقعیت‌های آن‌ها در سلسله‌مراتب اجتماعی است. همان‌گونه که نابرابری در فرصت‌ها در رفتار قشرهای مختلف جامعه تأثیر بسزایی می‌گذارد، در نگرش‌های اجتماعی افراد نیز مؤثر واقع می‌شود. طبقات اجتماعی نیز که در حل مشکلات خود ناتوان‌تر و از لحاظ سطح پینش اجتماعی در سطح پایین‌تری قرار دارند، این باورها را بازتولید می‌کنند.

از طرف دیگر، روش‌های مختلفی در علم کلام به کار گرفته می‌شود که یکی از مهم‌ترین آن‌ها روش عقلی است. در روش عقلی برای مباحث اعتقادی و در جهت تبیین و اثبات آموزه‌های اعتقادی و دفاع از آن، از تفکر عقلی استفاده می‌شود. پیشفرض این روش آن است که متکلم، عقل را به منزله ابزاری مستقل برای کسب معرفت بشناسد؛ یعنی از نظر معرفت‌شناسی توانایی عقل را در کسب معرفت بپذیرد و از جنبه شرعی نیز به حجیت عقل معتقد باشد.

بر این اساس، حس‌گرایان و ظاهرگرایان روش عقلی را در الهیات و کلام قبول ندارند. در جهان اسلام، اهل حدیث از اهل سنت و اخباری‌های شیعه به روش تفکر عقلی در علم کلام و دین‌پژوهی اعتقاد نداشته‌اند. آنان تأویل ظواهر دینی را نیز مجاز نمی‌دانند. گروهی از اهل حدیث در این باره راه افراط را برگزیده و در جمود بر ظواهر آیات و روایات تا آن‌جا پیش رفتند که به تجسیم و تشبیه‌گرایی‌دند و گروهی دیگر راه توقف و تفویض را برگزیدند و فهم این‌گونه ظواهر را به شارع واگذاشتند.

در عین حال، بیشتر مذاهب و فرقه‌های کلامی اعم از شیعی و سنی، روش تفکر عقلی را به رسمیت شناخته‌اند؛ هر چند در میان ایشان نسبت به قلمرو آن دیدگاه‌های متفاوتی یافت می‌شود.

شیخ مفید، سید مرتضی و شیخ طوسی به عنوان متکلم برجسته شیعی و امام الحرمین جوینی، قاضی ابوبکر باقلانی و عبدالقاهر بغدادی به مثابه متکلم برجسته اهل سنت، همگی بدون ورود به بحث‌های فلسفی پایبند به روش تفکر عقلی بوده‌اند. (سلیمانی بهبهانی و آسیابان‌ها رضایی، ۱۳۹۵)

به عنوان نمونه؛ سید مرتضی که فقیه و متکلم امامی دوره آل بویه بود، از مهم‌ترین علمای عقل‌گرای عالم شیعی است که مخالفت جدی با سطحی‌نگری و قشری‌گری دارد. سید مرتضی و برادرش سید رضی، امیرالحاج و قاضی بودند. سید مرتضی بر حجیت عقل در عقاید و مباحث کلامی تأکید داشت و علاوه بر آن

در اندیشه‌های فقهی خود نیز رویکردی عقل‌گرایانه داشته است. وی از پیشگامان روش اجتهادی در فقه شیعه دانسته شده که بر خلاف اخباریان در استنباط احکام از ادله عقلی بهره می‌برد. آثار بسیاری از ایشان در فقه، اصول فقه و تفسیر قرآن برجای مانده است. هم‌چنین سید مرتضی همانند شیخ مفید حجیت خبر واحد را قبول نداشت. (<https://www.igna.ir>)

به طور کلی، به فکر کردن و اندیشیدن در دین اسلام اهمیت فوق‌العاده‌ای داده شده است تا جایی که کلمه «عقل» ۴۰ بار در ۴۰ آیه قرآن کریم آمده است. در آیات مختلفی به اهمیت و لزوم اندیشیدن پرداخته شده است؛ از جمله در آیه زیر که می‌فرماید: «اتَّامُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَعْقِلُونَ»؛ (بقره، ۴۴) آیا مردم را به نیکی فرمان می‌دهید و خودتان را فراموش می‌کنید؟ حال آنکه کتاب (مقدس) می‌خوانید، مگر نمی‌اندیشید؟

هم‌چنین در آیه‌ای دیگر می‌فرماید:

«كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ»؛ (بقره، ۲۴۲) خداوند بدین‌سان نشانه‌های خود را برای شما تبیین می‌کند، برای آن‌که بیاندیشید.

بر این اساس، نشانه‌های خدا روی زمین را برای اندیشیدن اعلام می‌کند. علی‌رغم این برخی زائران گمان می‌کنند در زیارت باید دستشان را به ضریح برسانند.

احمد صابری- مدیر تبلیغ حوزه علمیه خراسان- در گفتگو با خبرگزاری ایرنا چنین می‌گوید: برخی عزاداری‌های ماه‌های محرم و صفر در خراسان رضوی آمیخته با خرافات و بدعت‌ها است که تاکنون ۱۵۰ خرافه شناسایی شده است. (<http://www.irna.ir>)

مثال دیگر، ماجراهای مهدی‌گرایی در کشور است؛ مهدی‌غفاری- کارشناس فرقه‌شناسی- در این زمینه می‌گوید: امروز به واسطه ناآگاهی مردم بیش از ۳ هزار

مدعی دروغین امام زمان در زندان‌ها هستند. (<http://www.zohur.net>)
این مسائل در سطح گسترده‌ای عامل گسترش خرافات در میان ارزش‌های دینی در چند دهه گذشته شده و گاهی برخی جریان‌ها و نهادها مشوق ترکیب خرافه و ارزش‌های دینی نیز شده‌اند. (<https://www.khabaronline.ir>)

۲. جریان افراط‌گرایان غالی و تحول در باورهای دینی

در شرایط بحرانی ناشی از بلایای طبیعی، حکومت‌های دینی در برابر آزمون کارآمدی قرار می‌گیرند و فشار سیاسی و اجتماعی شدیدی بر دین و ارزش‌های دینی ایجاد می‌شود. در چنین شرایطی بحران طبیعی تبدیل به بحران انسانی می‌شود و بحران انسانی با بازنمایی رسانه‌ای گسترده، منحنی تقاضا و انتظارات را صعودی و فزاینده می‌کند.

در قرون وسطی افراط‌گرایان دینی و جریان‌های غالی باعث شدند، باورهای دینی مردم متحول شود و بیماری طاعون آغازگر رنسانس^۱ یا دگراندیشی در غرب و اروپا گردد. قبل از شیوع طاعون مردمان عادی گمان می‌کردند کلیسا و کشیشان شفابخش هستند! اما پس از شیوع طاعون مردم با چشمان خود دیدند که پاشیدن آب مقدس توسط کشیش روی بیماران باعث شفای آن‌ها نشد، بلکه کشیش هم طاعون گرفت و زندگی را ترک کرد. کلیسا دست به هر کاری زد تا طاعون را از بین ببرد؛ از جمله آتش زدن گریه‌ها اما طاعون از بین نرفت. این موضوع از عوامل اصلی دور شدن مردم از ارزش‌های ادیانی شد که با خرافات ترکیب یافته بود و همین روند دین‌گریزی سبب رنسانس در اروپای غربی و شرقی در قرن ۱۵ میلادی گردید.

نکته دیگر در رفتارهای برخی پیروان دینی در اماکن متبرک شیعیان در روزهای پس از همه‌گیری ویروس کرونا مشاهده شد و آن، پیروی از خرافات با رویکرد دینی است. مسئله مبارزه با خرافات و جهل دینی در طول تاریخ همواره دغدغه امامان شیعه

و علمای اسلامی بوده است. خرافات مرتبط با طبابت و درمان بیماری‌ها در دوره صفویه رایج بوده است. یکی از این مصادیق که با اعتقاد به تقدیس پادشاهان همراه بوده است، باور به توانایی شاه در درمان بیماری‌ها است.

بحران عصر ویروس کرونا در سال ۲۰۲۰ میلادی در چین، اروپا و آمریکا به عنوان مدعیان اقتصاد جهانی نشان داد، در این گونه بحران‌ها حتی ثروتمندترین و کشورهای جهان نیز ممکن است به زحمت بتوانند از بحران خارج شوند. به این ترتیب، بحران کارآمدی در جوامع دینی که وضعیت پیشینی آن‌ها از منظر شاخص‌های اعتماد اجتماعی در وضعیت مناسبی نباشد، چنین جامعه‌ای ممکن است به بحران مشروعیت سیاسی گرفتار شود. بحران اعتماد نیز با عواملی هم‌چون بحران مشروعیت، نارضایتی اجتماعی، افراط‌گرایی دینی و دین‌ستیزی رابطه مستقیمی دارد. به عبارت دیگر، کسانی که گرفتار بلایا شده‌اند، مشکلات خود را ناشی از حاکمیت دین‌داران یا ارزش‌های دینی دانسته و دین را مانع پیشرفت خود در زندگی تلقی می‌کنند و نسبت به اصل دین تردید می‌یابند. این تردید به ذات دین مربوط نمی‌شود؛ بلکه به عملکرد پیروان دینی باز می‌گردد که باید اصلاح شود.

مشارکت مردم و مشورت آن‌ها از اهمیت ویژه‌ای در حکمرانی برخوردار است، هر چند اجرای حکومت دینی و مرتبه عملی آن نسبی است؛ یعنی همیشه امکان پیاده شدن کامل آن وجود ندارد و این نقص نه از ذات دین بلکه بخاطر شرایط نامناسب جامعه و عدم آمادگی کامل مردم و عملکرد ناصواب پیروان ادیان در جامعه است.

به نظر می‌رسد اگر حکومت دینی در زمان خود مشارکت مردم را در سرنوشت اساسی جامعه به شکل واقعی ایجاد کند، زمینه دین‌گزینی برای میلیون‌ها پیرو فراهم نخواهد شد که از شرایط اساسی و تعیین‌کننده آن، وجود دموکراسی^۱ به معنای درست آن،

مشارکت حداکثری واجدین شرایط در تصمیم‌گیری‌های عمومی و اساسی جامعه است.
(پروین و نورایی، ۱۳۹۱)

روح قانون و برخی اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر این معنا استوار است که حکومت دینی از راهکارهای عقلایی استفاده می‌کند و جنبه تعبدی ندارد و مردم‌سالاری از اصول اساسی آن است.

بنابراین، اگر مسیرحکومت دینی توسط افراط‌گرایان و غالیان تصرف شود و به انحصار درآید، سرنوشت خطرناکی پیش روی جامعه دینداران و حاکمیت دینی خواهد بود؛ هم‌چنان که هر گاه در طول تاریخ غالیان و افراط‌گرایان درهم حکومت دینی قرار گرفتند، دین‌ستیزی و دین‌گریزی سرباز کرده و عامل تخریب دین شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت ایشان علیهم السلام با غالیان و افراط‌گرایان دینی پیوسته مبارزه کرده و به پیروان خود نیز این راهبرد را توصیه نموده‌اند. رواج خرافات در نتیجه رخدادهایی هم‌چون جریان ناقص جامعه‌پذیری، اکتشاف ناکام رابطه علّی میان پدیده‌ها و پایگاه فرودست اجتماعی و اقتصادی است که چالشی دشوار پیش روی نهادهای فرهنگی و آموزشی حوزه علمیه در عصرپساکرونا قرار داده است.

۳. تورم مناسک

اگر پدیده فربهی مناسکی در جامعه افزایش یابد، تأثیر ارزش‌های ادیان کاهش خواهد یافت؛ مناسک دینی، نوعی رفتار نمادین و قراردادی با هنجاری مشخص است که افراد و گروه‌های دینی آن را به عنوان شعار و نشانه تعلق به دین اجرا می‌کنند. مناسک دینی طیف وسیع و از شکل‌های رفتاری را شامل می‌شود که هر کدام در حوزه فرهنگ معنا و مفهوم می‌یابد.

مناسک مجموعه کارکردهای متنوعی را شامل می‌شود که حفظ انسجام و هویت‌بخشی به جامعه باورمندان هر گروه دینی، از مهم‌ترین آن‌ها به شمار می‌رود. در همه ادیان و مذاهب، مناسک وجود دارد و بُعد مناسکی در کنار ابعاد اعتقادی و اخلاقی،

مثلاً دینداری را تشکیل می‌دهد؛ اما بلایای طبیعی ممکن است برخی روندهای اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی بلندمدت در جامعه ایجاد کند که آثار آن تا سال‌ها و دهه‌ها برای کشور پیامدهای فرهنگی داشته باشد، لذا باید مناسک را به صورت متعادل برای جامعه تعبیه کرد؛ زیرا تورم و زیاده‌روی مناسک موجب افزایش آسیب‌ها شده است.

گاهی بلایایی مثل خشکسالی، زلزله و حتی ویروس کرونا ممکن است به خاطر توسعه نیافتگی موج بزرگی از دین‌ستیزی شهری و منطقه‌ای ایجاد کند و حاکمیت دینی را زیر سؤال ببرد. پس اگر حکومت‌های دینی پیامدهای اقتصادی، اجتماعی و هویتی را نتوانند مدیریت نمایند، دیر یا زود ناچارند با پیامدهای فرهنگی آن دست و پنجه نرم کنند.

بیکاری، فقر و سرخوردگی‌های گروهی نمونه‌های دیگری از پیامدهای ثانوی مواجهه دینی با بلایای طبیعی هستند که آثار خود را در عرصه فرهنگی و باورهای دینی جامعه ایران آشکار خواهد کرد.

عوامل مختلفی از قبیل مناسبات سیاسی، اقتصاد مذهبی، تغییرات فرهنگی، توسعه نیافتگی کشور و تحولات رسانه‌ای در این زمینه دخالت مستقیم دارند. نوعاً گروه‌هایی که خصلت اقلیت بودگی داشته و از جانب گروه‌های دینی رقیب احساس خطر می‌کنند، بیش از گروه‌های اکثریت واجد ظرفیت تولید مناسک اختصاصی هستند. مناسک برای این گروه‌ها تمایزیابی مضاعفی را فراهم می‌کند. تمایزیابی سازوکاری برای حفظ هویت و تضمین بقای جامعه هویتی است. از این منظر، تشیع امامیه به عنوان یک مذهب اقلیتی در جهان اسلام بیشتر از مذاهب اهل سنت استعداد مناسک‌سازی ثانویه دارد.

محل پیدایش این مناسک در منطقه الفراغ شریعت است؛ هر چه این منطقه فراختر باشد، امکان پیدایش مناسک ثانویه بیشتر خواهد بود. مناسک ثانویه را در شکل ثابتی نمی‌توان محصور کرد. هر چه مناسک اولیه میل به خلوص داشته باشند، مناسک ثانویه به تبع خصلت فرهنگ، میل به التقاط و آمیزش دارند. مناسک ثانویه دین‌داران ابداع می‌کنند. به بیان دیگر، به تعداد دین‌داران می‌توان مناسک ثانویه ساخت. (<http://www.socio-shia.com>)

خطر آن جاست که این مسیر به مخاطره اصل دین و مذهب منجر شود و کارکرد دین را بی‌اثر کند. فربهی مناسکی، مانع تأثیر ارزش‌های دینی در نسل جدیدی است که وارد چرخه نخبگان شده‌اند و از این طریق میکروب‌های معرفتی به تولید واکسن معرفتی می‌انجامد و دین‌گریزی را میان نسل آینده رونق داده و مانع گرایش مردم به ارزش‌های دینی می‌شود.

توسعه مناسک مذهبی منتقدان قابل اعتنایی دارد که از دیدگاه متفاوتی اظهارنظر کرده‌اند:

- یک دسته از منتقدان، روشنفکران دینی هستند که دین مناسکی را در تقابل با معرفت دینی می‌دانند و رشد مناسک را به معنای فربه شدن دینداری عامه‌پسند و افول دینداری معرفت‌اندیش و شاخص فرم‌گرایی و ظاهرگرایی دینی می‌دانند.

- دسته دوم برخی علما و نخبگان دینی هستند که رشد مناسک را مصداق رشد عوام‌زدگی دین و دوری از تشیع ناب می‌دانند. نگرانی این دسته بیشتر ناشی از آن است که با رشد مناسک، مرجعیت جامعه دین‌داران تغییر کرده و مداحان که کارگزاران اصلی مناسک و تحریک عواطف مذهبی‌اند، جانشین روحانیت شوند.

- سومین دسته محققان و مورخان هستند که در اعتبار روایت‌های تاریخی مناسک نوظهور اشکال می‌کنند و برخی مناسبت‌های نوظهور را از نظر تاریخی بی‌پایه و جعلی می‌دانند.

به هر حال، تحریفات گسترده‌ای توسط نهادهای پشتیبان در دین‌باوری ایرانی‌ها به وجود آمده است. تجربه بشری نشان می‌دهد توسعه مذهب که بخشی از نیازهای فرهنگی دین‌داران را تشکیل می‌دهد، اگر خارج از چارچوب عقلانی باشد، می‌تواند مخاطره‌آمیز بوده و جامعه انسانی را به پای تعصبات مذهبی و فرقه‌ای قربانی سازد. از طرف دیگر، مناسک به دلیل ظرفیت بالا در تحریک عواطف مورد طمع قدرت‌های سیاسی بوده است؛ به ویژه در دولت‌های مدعی دین‌گرایی این طمع شدیدتر بوده است. همین زمینه، سبب شده است نام دولت‌ها به عنوان مؤسسان مناسک ثانویه ثبت شود؛ لذا در روند فربه‌سازی مناسک، ردپای اراده جریان‌های سیاسی مشهود است.

پژوهش‌های مختلف در سال‌های اخیر نشان می‌دهد، شاخص‌هایی هم‌چون اخلاق، اعتقادات دینی و حتی تقید به مناسک اولیه و رسمی مثل نماز و روزه‌داری، روند کاهشی داشته‌اند؛ درحالی که به موازات آن‌ها مناسک ثانویه رو به افزایش بوده است. به عبارت دیگر، نمی‌توان ادعا کرد همه ابعاد دینداری رشد کرده است.

غلظت مناسک ثانوی در دینداری به موازات رقیق شدن ابعاد اعتقادی و اخلاقی، به ضرر کارآمدی دین است. استمرار این روند، به جای انسان دین‌دار، انسان مناسک‌گزار تولید و تربیت می‌کند.

اگر مناسک جدید به حفظ جامعه، بهبود مناسبات میان‌فردی، تقویت جامعه مدنی، پرهیز از تمامیت‌خواهی و معنابخشی به حقوق شهروندان منجر شود، ایرادی ندارد؛ اما وقتی این روند در مسیر تشدید تمایز و هویت فرقه‌ای قرار گیرد، خطرناک است.

برجسته‌سازی اختلاف تاریخی با اهل سنت، توسعه ادبیات و تنش‌های مذهبی، رشد غلو و ادبیات غالیانه در هیئت‌ها و محافل مذهبی و پیدایش جریان تکفیر از مسائل پرمخاطره در این مسیر است؛ مسیری که به تولید خشونت مذهبی و توسعه گفتمان جنگ خواهد انجامید و ارزش‌های دینی را در مواجهه با همه‌گیری‌ها بی‌اثر خواهد کرد.

۴. کشمکش علم و دین

تمدن اسلامی در جوار سایر تمدن‌ها مانند تمدن ایران و روم شکل گرفت. دین اسلام طرفدار تمدن است و در راه تمدن‌سازی قائل به از بین بردن سایر تمدن‌ها نیست. در عصر معاصر که نظم تمدن بشری با ویروس کرونا مورد تهدید قرار گرفته است، شایسته است تمدن‌های بشری به جای دشمنی با یکدیگر به همدردی و همراهی با یکدیگر اندیشه کنند.

هنگامی کتاب «الهیته والإسلام» توسط سید هبة‌الدین شهرستانی نوشته شد، دنیای شیعه را شعف گرفت که یک مسئله علمی حل شده است؛ درحالی که یکی از مسائل این کتاب آن بود که کره زمین از نظر دین اسلام مسطح و هموار است؛ (شهرستانی، ۱۳۵۶) یعنی مطلبی که امروزه همه دانشمندان با دلایل علمی ثابت کرده‌اند شکل زمین کروی است.

رساله «کاروان اسلام» نوشته صادق هدایت نیز که به بیان سرگذشت و فراز و نشیب سفر چند تن از مبلغان اسلام به بلاد اروپایی می‌پردازد، با همین رویکرد است. این کتاب که با زبان طنز نهاد دین‌دارانه را مورد هدف قرار داده است، مبتنی بر مثال‌هایی است که از دل مقالات و کتاب‌ها درآمده است. بسیاری از نویسندگان مذهبی در سده اخیر، همین راه یا نزدیک به آن را رفته‌اند و مدام از کارهای آنها تعریف و تمجید شده است؛ روندی که برای کوبیدن علم جدید و تولید علم بومی بوده است. (چلونگر و خزائیلی، ۱۳۹۶)

رویارویی علم و دین در ادبیات این حوزه، داستانی دیرینه دارد. برخی بر این عقیده بودند که با گسترش علم، روند اهمیت دین و اعتقادات دینی و به تبع آن مشارکت دینی سیر نزولی خواهد پیمود. برخی جامعه‌شناسان مانند ماکس وبر^۱ معتقد بودند با ظهور مدرنیته^۲، ریشه‌های مذهب خشکانده خواهد شد و علم‌گرایی بخش مهمی از فرایند دین‌زدایی را رقم زده است؛ چون انباشت تدریجی معرفت علمی به مردم قدرت فهم و تسلط بر حیطه‌هایی را می‌دهد که روزگاری رازآلود بودند، پس نیاز و مجال توسل به دین به تدریج فروکش می‌کند. (<http://isna.ir>)

به نظر نویسندگان دین تحریف شده و مذهب خرافاتی را مد نظر داشتند نه دین اسلام که یک حقیقت مسلم است. بنابراین باید تلاش نمود دین اسلام و مذهب تشیع را از هر گونه خرافه‌گرایی و افراط‌گری دور نمود تا چالش مواجهه آن با علم کاهش یابد. بحران‌ها و مشکلات دینی اگر به تدریج انباشه شوند، مردم نسبت به دین و آنچه به آن وابسته است، دچار تحول شده و نظرشان درباره تعامل علم دین تغییر خواهد کرد. جهان امروز به جز چند استثنا همانند گذشته و حتی در برخی مناطق بیشتر از گذشته، دینی است. انگیزه دینی به معنای جستجو برای معنا، ویژگی جاودانه انسانیت بوده است. از بین بردن این انگیزه مستلزم چیزی شبیه به دگرگونی نوع انسان است؛ لذا انگیزه دینی تاکنون از بین نرفته و در آینده نیز احتمال از بین رفتن آن نیست.

در عین حال، این نکته را باید در نظر داشت که اگر دین در جامعه دینی گرفتار بحران شود، حکومت دینی نیز گرفتار پیامدهای آن خواهد شد. در این میان، پاسخ‌هایی که برای پرسش‌های موجود داشته‌ایم، در یک مرحله بحرانی نتوانست ما را از این مرحله که قرن‌ها دین مسیحیت را گرفتار کرده بود، عبور دهد؛ لذا حوزه علمیه مانند

1. Max Weber

2. Modernity

سایر نهادهای همسو باید بپذیرد که در مقابل این همه هجمه که گاهی فکر می‌کند سیاسی است، دست خالی است. (نصیری، ۱۳۹۸)

نتایج جدیدترین نظرسنجی مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران- ایسپا- نشان می‌دهد در پاسخ به این سؤال که اهمیت دین و خداوند در زمان شیوع کرونا برای شما نسبت به قبل چه تغییری کرده است، چنین بود که ۴۷ درصد مردم ایران گفته‌اند: اهمیت دین و خدا در این مدت برایشان بیشتر از قبل شده است، ۴۸/۴ درصد گفته‌اند از این نظر تغییری ایجاد نشده و تنها ۳/۵ درصد مردم گفته‌اند اهمیت دین و خداوند برایشان کمتر از قبل شده است. (<http://ispa.ir>) به نظر می‌رسد همین آمار ۳/۵ درصدی نیز نشان می‌دهد باید خود را پاسخگو بدانیم.

۵. تعارض با گفتمان نظام پزشکی جدید

افراط‌گرایان دینی با گفتمان نظام پزشکی به دلیل ناکارآمدی و نابرابری آن در جامعه ایرانی که فاصله فقیر و غنی را به رخ می‌کشد، معرفی می‌کنند؛ این گفتمان بر بستری استوار است که پزشکان را صرف‌نظر از تفاوت‌های درآمدی میان اقشار مختلف جامعه پزشکی به عنوان بهره‌برندگان از منافع سرشار ساختار نظام پزشکی معرفی می‌کند. یکی از افتخارات ایران در چند دهه اخیر در مراکز علمی و پزشکی، توسعه علم پزشکی جدید است؛ امری که سبب شده است ایران در منطقه خاورمیانه، یک قطب مهم پزشکی باشد.

در عصر حاضر و بر اساس عقلانیت اسلامی، بهره‌مندی از دستاوردهای مدرنیته به عنوان یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است؛ در غیر این صورت جامعه با رشد تک‌بعدی، عواقب و چالش‌هایی از قبیل خرافه‌پرزدازی یا علم‌گرایی مطلق را به همراه خواهد داشت. این‌که در مسئله کرونا برخی به نام دین با دستورات علمی و پزشکی متخصصان به مقابله می‌پردازند، اندیشه‌وران دین‌گرا را نگران کرده است. به تعبیر آیت الله جوادی آملی

با ۶ هزار روایت که ۵ درصد آن سند دارد، چگونه می‌توان طب اسلامی برای جامعه کنونی ارائه کرد. (<http://www.ensafnews.com>)

شاید دلیل مخالفت جریان‌های خرافه‌گرا و افراط‌گرایان دینی با گفتمان نظام پزشکی تجمیع قدرت و ثروت نزد پزشکان، گران بودن درمان‌های پزشکی مدرن و کارکرد نامناسب بیمه‌ها در پوشش هزینه‌های درمان است. فرضیه این است که کارکرد نظام پزشکی مدرن به دلیل ناکارآمدی‌های ساختاری، گران و هزینه‌بردار بودن و به حاشیه راندن گروه‌های فقیر و ضعیف جامعه، بستری برای گرایش به طب سنتی شده است. این روند از پزشکی مدرن، هدف مناسبی می‌سازد که برخی با حمله به نظام پزشکی مدرن، بخش‌هایی از گروه‌های حاشیه‌ای شده در نظام بهداشت و درمان را با خود همراه سازند و با رویکرد دینی به پزشکی مدرن بتازند.

۶. دوره نوزایی باورهای دینی

در عصری که انقلاب اسلامی ایران موجب تجدید حیات اسلام و زنده شدن مجدد و عظمت دیرینه جهان اسلام گردید، عملکرد برخی مسئولین و جریان‌های افراط‌گرا با ضعف‌های بنیادی همراه شد و موجب دلسردی برخی مردم نسبت به کارکرد دین در عرصه اجتماعی گردید تا جایی که زمینه‌های نوعی ترمیدور^۱- بازگشت به سنن قبل از انقلاب- را به وجود آورده است.

بر اساس پیش‌بینی جامعه‌شناسان در عصر پساکرونا، یک نوزایی مذهبی یا تولد جدید در ایران اسلامی رخ داده یا رخ خواهد داد و پیش‌بینی می‌شود اولین تحول این نوزایی در علم کلام و سپس در سایر دانش‌های اسلامی مانند فقه خواهد بود. علم کلام نیز دانشی است که علی‌رغم تلاش برای دفاع از عقاید، در تنش‌های اجتماعی

جامعه و تقسیم‌بندی افراد، نقش برجسته‌ای ایفا کرد و موجب سلب همبستگی مؤمنان جامعه و همبستگی ملی شد؛ مسئله‌ای که با اقتصاد جامعه نیز مرتبط شد. (آرنولد^۱، ۱۳۸۵)

در این فرایند تحول یک نوع عرفی‌گری یا لائسیسته^۲ نیز پیش‌بینی می‌شود که جزئی از جدایی دولت و جامعه مدنی یا حوزه عمومی از حوزه خصوصی است و یکی از بنیادهای عصر مدرن را تشکیل می‌دهد. تأثیر این عرفی‌گری در برخی شهرها ممکن است کم باشد؛ اما در شهری مثل مشهد، فاصله طبقاتی که آستان قدس بین نزدیکان خود و مردم ایجاد کرده و سایر نهادها نیز نقشی در این شکاف طبقاتی داشته‌اند، مسئله را حاد کرده است و آثار این فاصله را می‌توان در میان جامعه، مسئولان روحانی و غیر روحانی و مردم مشاهده کرد.

یک مصداق مشابه در تاریخ تحولات اروپا نیز وجود دارد که در دو شهر پاریس و لندن با دو نقش متفاوت اما تاریخی قابل رصد است. لائسیسته در این معنا می‌گوید دین و آیین موجود برای اشراف است و در نتیجه هر کس باید دین خود را داشته باشد؛ در این صورت دین مردم یک دین عرفی خواهد شد، مشابه چیزی که مداحان و هیات‌های مذهبی در برخی شهرهای ایران دنبال می‌کنند. (وثیق، ۱۳۸۷)

جایگاه افزایش مکارم اخلاق در میان افراد جامعه به عهده پیشوایان معنوی جامعه گذاشته شده است؛ اگر این وظیفه یکسره به قدرت سپرده شود، نفوذ معنوی جای خود را به نفوذ قدرت سیاسی خواهد داد. معیار سنجش اخلاق جامعه به سیاست وانهاده شده و کارشناسان اخلاق به نوعی خلع سلاح شده‌اند. تمرکز به جزئیات فقهی، تورم مناسک و رسوم و آیین‌ها و بازگذاشتن دست هر کس که بنا به منافع شخصی به عمده کردن ظواهر و حتی توسعه خرافات مشغول شود، جایگاه هسته دین را سست کرده است.

1. Thomas Arnold

2. Laicit

به نظر می‌رسد از علل این وانهادن هسته و اصل به پوسته و شکل، تبدیل ایمان و باور به ابزار سیاسی و تبدیل امور وجدانی، روحی و معنوی به سوژه و منظومه قدرت است. شاید این عبارت مشهور که «دیانت ما عین سیاست ماست»، نیمه دیگر را در معده خود هضم کرده است و به همین دلیل این روزها دین‌داران دگراندیش نیازی به تعریف واسطه میان خود و خدا نمی‌بینند و دین و مکارم اخلاقی آن در پیشگاه آنان قربانی شده است.

از طرفی در غرب و حتی در اتحاد جماهیر شوروی، کلیسای کاتولیک و ارتدوکس از اقتدار مذهبی خود با شیوه‌هایی در جهت سلطه قدسی کوشش کردند که منجر به جدایی دین و سیاست گردید. بنابراین باید حوزه علمیه از فرصت پیش آمده بهره بگیرد و در برابر چالش‌های یاد شده اندیشه کند و برای مصونیت بخشیدن به اصل دین، راهکار بیرون رفتن از بحران را پی جویی کند و در این مسیر از نخبگان حمایت و پشتیبانی کند.

در مجموع، نمودار پژوهش از مجموع مسیر طی شده در شکل‌گیری ویروس کرونا را می‌توان به صورت زیر ترسیم کرد:



نمودار ۱: فرایند مسیری ویروس کرونا

فرصت‌ها و چالش‌های بلاهای همه‌گیر

در ۱۵۰ سال پیش بیماری وبا در ایران همه‌گیر و با قحطی توامان شد. به گواه اسناد تاریخی، روزانه ۱۰۰ تا ۱۵۰ تن می‌مردند، آن زمان نیز مثل امروز تأثیرات وبا به زندگی بهداشتی- درمانی مردم محدود نشد. جامعه ایران در آن زمان سرشار از مناقشه و مطالبه از حکومت شده بود.

به عنوان مثال؛ چند سال بعد از بیماری آیت الله کمپانی ملقب به امین دار الضرب می‌نویسد: اگر دولت فکری به حال مردم نکند، اکثری از رعایای ایران و ارامنه سلماس و ارومیه کوچ می‌کنند و این خسارت بزرگی است به ایران.

بسیاری از تاریخ‌دانان و متفکران، وبا و قحطی را دو میانجی اصلی گذار به مشروطه می‌دانند. آن‌ها همه‌گیری وبا را طلعه ضرورت بازسازی دولت در ایران که بعدها به انقلاب مشروطه منجر شد، می‌انگارند؛ گویی وبا، چشم و گوش لایه‌هایی از جامعه را به این امر گشود که در ایران، دولت به معنای نهادی که امور را رتق و فتق کند، وجود ندارد.

در عین حال، ویروس کرونا در زمان‌هایی اتفاق افتاده است که همه کشورها از دولت مرکزی، وزارتخانه‌های بزرگ و ستادهای مدیریت بحران برخوردار هستند. با این حال، عالم‌گیری بیماری کوید ۱۹ انتقادات زیادی را به نحوه مدیریت دولت‌ها در سطح جهانی وارد کرد که در ادامه به برخی فرصت‌ها و چالش‌ها اشاره می‌شود:

۱. عدالت اجتماعی در توسعه

کرونا، ویروسی است که همه را تهدید می‌کند؛ هر چند نحوه مبارزه فردی با ویروس متفاوت است. کرونا به سیاست‌گزاران آموخت که فراهم کردن حداقل رفاه برای اقشار ضعیف و حاشیه‌نشین‌ها لازم و ضروری است؛ چرا که همه هم‌سرنوشت هستند؛ لذا بهداشت ضعیف مناطق حاشیه‌ای می‌تواند همه نقاط را فرا بگیرد و توسعه نیافتگی می‌تواند موجب آن شود که در مدیریت بیماری کرونا، همه اقشار در

محاسبات ستاد مدیریت بحران کشورها قرار نگیرند. در کنار این، فقر اقتصادی نیز عامل مهم دیگر است؛ هنوز اقشاری وجود دارند که اگر یک روز کار نکنند، به نان شب محتاج می‌مانند.

۲. دستورالعمل مبارزه با بحران و بلایا

کرونا به کشورها آموخت باید تمهیداتی ببندیشند که در مواجهه با یک بحران، غافلگیر نشوند. به سیاستمداران نیز آموخت که خود را برای روزهای سخت آماده کنند.

به عنوان مثال؛ وقتی کرونا به ایران وارد شد، مشخص شد دستور العمل از پیش تعیین شده و خاصی برای مبارزه با یک بیماری خطرناک وجود ندارد. این فقدان باعث عدم مدیریت بحران به شکل صحیح و تصمیمات گاهی متضاد شد؛ در حالی که انتظار این بود دستورالعمل مبارزه با چنین بحرانی از پیش مشخص باشد، حتی نهادهای دینی و فرهنگی می‌بایست چنین آمادگی را در سیستم‌های خود ایجاد می‌کردند.

۳. پرهیز از اختلاف و تأکید بر همبستگی جهانی

انتقاد به دولت‌های مستقر از یک طرف راهگشا و از طرف دیگر می‌تواند فضا را برای کسانی مهیا کند که به دنبال سوء استفاده هستند. کرونا به مدیران همه دولت‌ها فهماند در مبارزه با یک بیماری خطرناک باید متحد باشند.

اختلاف مدیران ممکن است به اختلاف مردم و ملت با حاکمیت تبدیل شود و این یک چالش اجتماعی بزرگ است که باید با تمرکز بر پیشگیری در مسیر همبستگی اجتماعی، اهمیت بیشتری به آن داد. همبستگی یک زیرساخت اجتماعی است که ملت‌های متمدن برای گسترش و حفظ آن برنامه منظمی دارند.

از طرف دیگر، بیماری کرونا سیاستگذاری احزاب و جریان‌ها را تغییر داد. شعار بیشتر جریان‌های سیاسی به سمت رفع مشکلات اقتصادی و تقویت زیرساخت‌های بهداشتی و درمانی است و نشان داد جریان‌های سیاسی که در این شرایط

گروکشی می‌کنند، نمی‌توانند در میان مردم جایی داشته باشند. شرایط وجود بلایای طبیعی در کشور، شرایط مناسب برای جنگ سیاسی نیست؛ بلکه یک مسئله عمومی جهانی است و عبور از آن نیازمند همبستگی عمومی، مشارکت ملت و دولت و اتحاد مردم و حاکمیت است.

۴. محیط زیست و دانش‌های نو

بحران محیط زیستی سال‌هاست به بحران جهانی تبدیل شده است. فعالان محیط زیست حال زمین را خراب و سال ۲۰۱۸ میلادی را یکی از پرحادثه‌ترین سال‌ها برای محیط زیست می‌دانند؛ از طوفان‌های سهمگین و قطع درختان تا سیل و آتش‌سوزی‌های بی‌سابقه.

بعد از شیوع کرونا و با خلوت شدن زمین، آمارهایی از بهبود کیفیت هوا و محیط زیست کلانشهرها به گوش رسید که منتقدان را بر آن داشت بار دیگر مدیریت محیطی زیستی دولت را نقد و از آرمان‌های محیط زیستی دفاع کنند. فعالان و کارشناسان، پدیده تغییر اقلیم و محیط زیست کرونا را فرصتی می‌دانستند تا زندگی بهتر با طبیعت و نه علیه آن را نوید دهند و فرصتی برای تنفس زمین در نظر بگیرند.

مردم نیز به پروتکل‌های بهداشتی عمل کردند و به نوعی طبیعت را پاکسازی کردند؛ هرچند عده‌ای از تندروها و افراط‌گرایان دینی به مبارزه با پروتکل‌های نظام پزشکی ایران رفتند و با طبیعت سنتی چالش‌های اجتماعی را تشدید کردند. نتیجه آن‌که کرونا فهماند که باید بیش از پیش به محیط زیست و پروتکل‌های پزشکی و سایر دانش‌های سودمند معاصر اهمیت داد.

۵. همکاری بین المللی دولت‌ها و ادیان

کرونا برای کشورهایی مثل ایران که تحت فشار تحریم‌های ظالمانه است، تجربه‌ای خاص بود. این ویروس به کشورهای زورگو همانند همه انسان‌های جهان به هم وابسته و با یکدیگر هم‌سرنوشت هستند و در چنین شرایطی نمی‌توان بر طبل گفتمان جنگ زد؛ بلکه گفتمان صلح است که به همه چیز حتی ادیان و مذاهب جاودانگی می‌بخشد و ارزش‌های انسانی ادیان را میان افراد جامعه ماندگار می‌سازد.

کرونا چنین آموخت که نه تنها در داخل کشورها؛ بلکه به همکاری و همیاری دولت‌ها و ادیان و مذاهب در سطح منطقه و جهان نیاز است و همه کشورها نیازمند ارتباط و تعامل بیشتر با یکدیگر هستند.

۶. پرهیز از افراط‌گرایی دینی

همواره گفتگوی دینی و تقویت وجوه مشترک ادیان از جمله ارزش‌های الهی و انسانی، دوستی و مودت و پرهیز از خشونت و افراطی‌گری با بهره‌گیری از ظرفیت‌های ادیان در مسیر ترویج فرهنگ دینی و اشاعه ارزش‌هایی که به ارتقای جایگاه معنوی انسان می‌انجامد، ضرورت حیاتی دارد.

اکنون جامعه جهانی با موجی از افراط‌گرایی، خشونت و هراس مواجه است؛ موجی که نتیجه آن درگیری‌های قومی و مذهبی و ایجاد چرخه بی‌پایانی از خشونت و نفرت در برخی از نقاط دنیا است. این نفرت و خشونت بیشتر ناشی از و کج‌فهمی در درک مفاهیم و ارزش‌های والای بشری و اصول دینی است و به نظر می‌رسد گفتگو، مهم‌ترین راه برون رفتن از چرخه نفرت و خشونت باشد که می‌تواند انسان‌ها را با تمام تفاوت‌ها به دور خود جمع کرده و بین آنها فرهنگ مدارا، همزیستی مسالمت‌آمیز و همدیگرپذیری ایجاد کند.

نگاه دین اسلام همواره در تقابل با خشونت و افراطی‌گری بوده و این دین همیشه بر تعقل و میانه‌روی تأکید داشته و در ذات خود منطبق با صلح و آرامش است. مطابق با قطعنامه جهان علیه خشونت و افراط‌گرایی در سال ۱۳۹۲ که به ابتکار ایران به تأیید مجمع عمومی سازمان ملل رسید، ضمن صحنه گذاشتن بر تعهد همه مذاهب نسبت به صلح و عزم خود نسبت به محکوم کردن افراط‌گرایی توأم با خشونت که در حال گسترش بوده و زندگی انسان‌ها را تهدید می‌کند، بر این موضوع که افراط‌گرایی توأم با خشونت در همه اشکال و ظواهر آن نمی‌تواند و نباید به هیچ مذهب، ملیت، تمدن و قومی نسبت داده شود، تأکید شده است.

بلاای طبیعی و ویروس کرونا علی‌رغم همه بدی‌هایی که داشت، آموزنده خوبی نیز به شمار می‌رود؛ آموزنده‌ای که توان ایجاد تغییر اساسی سیاست‌ها و سیاست‌گزاران را دارا است. به این معنا بلاای طبیعی و کرونا بیش از آن‌که یک عامل مخرب باشند، یک شوک اجتماعی-سیاسی هستند؛ شوکی که به گواه تاریخ، تغییراتی هم‌چون وقوع انقلاب مشروطه را ممکن کرده است.

بنابراین، می‌توان به فراگیری ارزش‌ها در مواجهه با بلاای طبیعی و بهتر شدن شرایط اجتماعی-سیاسی در ادیان جهان امید بست.

نتیجه‌گیری

تحلیل‌های زیادی در چند ماه اخیر در خصوص تأثیر ویروس کرونا به عنوان یک بیماری همه‌گیر بر آینده جهان گفته و نوشته شده است. برخی پیامدهای فرهنگی کرونا از جمله تأثیر آن بر جایگاه دین در جامعه پساکرونا و تأثیر بر اعتقادات مذهبی و چهره دین و دگرگونی آن است. در این زمینه، مدرنیته، عقل خودمختار، افراط‌گرایی دینی، ترکیب ارزش‌های دینی و خرافات، کشمکش علم و دین و

تورم مناسک از عوامل اصلی نوزایی دینی و عرفی شدن هستند که چالش مواجهه دینی با بلایای فراگیر را تشدید می‌کند.

نهاد حوزه علمیه در برابر این پدیده تاریخی، مسئولیت سنگینی بر عهده دارد. این نظریه که مدرنیته منجر به عرفی شدن می‌شود، یک نگرش تک عاملی است و بر چند مفروض بنا شده است: یکی آن که دنیای گذشته دینی‌تر از دنیای کنونی بوده و با مدرن شدن جوامع، انسان‌ها از دینی شدن دوری می‌کنند. متغیر علم تلاش دارد این موضوع را اثبات کند که انسان در فرایند تکامل تاریخی با عبور از عصر ایمان و فلسفه به عصر علم رسیده است.

مفروض دوم دینی‌تر نبودن آینده است که با علمی شدن جهان و استقلال انسان از عقل نخست، عقل خودمختار و خودبنیاد انسان را به فرایند استقلال هدایت می‌کند. برخی معتقدند از این مسیر، اسلام، عرفی نمی‌شود؛ زیرا وحی مؤید عقل است. وحی، عقل را حجت دانسته و با عقل در تعامل است و به همین علت وحی از طریق عقل به دست می‌آید.

انتخاب دین و احراز باورهای مبنایی دین بر اساس عقل صورت می‌گیرد و این کار عقل خودبنیاد است. خودبنیادی عقل به معنای این است که عقل، مرجع است و حجیت و اعتبارش از خودش است؛ پس جایگاه دین در نزد چنین انسانی کاهش می‌یابد. به نظر می‌رسد دینی که مبتنی بر عقل باشد، به دنبال تورم مناسک نمی‌رود؛ بلکه از ترکیب ارزش‌های دینی و خرافات جلوگیری می‌کند. برخی نویسندگان با این استدلال که مذهب نتوانست به حل بحران کرونا در جهان کمک کند، دین را درمواجهه با بلایای فراگیر طبیعی، ناتوان معرفی کرده و آواز پیروزی علم بر دین سر داده و مدعی شده‌اند، این امر ممکن است حتی به کاهش تعداد پیروان و معتقدان دینی منجر شود.

از طرفی، سیاستمداران بحران کرونا را در گسترش سبک زندگی جامعه جهانی پراهمیت دانسته و فناوری‌های مجازی را عامل آن معرفی می‌کنند. پدیده کرونا ضرورت وجود نهاد دولت متمرکز و مقتدر را در تصمیم‌گیری‌ها و کنترل بحران اثبات کرده و اهمیت دولت و ملت را در محور اصلی سیاست جهانی برجسته می‌دانند؛ این در حالی است که جریان‌های پشتیبان خرافات که در ارتباط با ممنوعیت‌های زیارت اماکن مقدس به صراحت اعلام کردند که نشان از دولت‌ستیزی این جریان افراطی است.

بنابراین، باید نقش برخی نهادها به ویژه صدا و سیما، هیئت‌های مذهبی، ذاکرین و روضه‌خوانان در شعله‌ور کردن افراط‌گرایی دینی و خرافه‌گرایی، سنجش و بررسی شود. رفع این چالش نیاز به کار فرهنگی تدریجی، مستمر و مجدد دارد که توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزارت آموزش و پرورش و سایر متولیان فرهنگی کشور به ویژه دانشگاه‌ها با اصلاح رویه‌های نادرست، در این زمینه می‌توانند اقدامات مؤثری انجام دهند.

نتیجه آن‌که ویروس کرونا نقش خود را در خرافه‌زدایی از جامعه اسلامی ایران آشکار کرد و خطر برخی مدعیان دین‌داری را نمایان کرد و به تمامی نهادهای پشتیبان از جامعه دینی گوشزد نمود که این روند افراطی عامل دین‌گستری نیست؛ بلکه اسباب دین‌گریزی شده است.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. آرنولد، توماس (۱۳۸۵). تاریخ گسترش اسلام. ترجمه ابوالفضل عزتی. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۳. پروین، خیرالله. و مهدی نورایی (۱۳۹۱). نظام‌سازی اسلامی در دوران گذراز حکومت‌های غیر اسلامی. مطالعات بیداری اسلامی. سال ۱. شماره ۱: ۵۰-۹.

۴. چلونگر، محمد علی. و محمد باقر خزانلی (۱۳۹۶). تاریخ علم در تمدن اسلامی. قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۵. سلیمانی بهبهانی، عبدالرحیم. و حامد آسیابان‌ها رضایی (۱۳۹۵). بررسی روش عقلی فلسفی در مکتب کلامی معتزله، اشاعره و امامیه. کلام اسلامی. دوره ۲۵، شماره ۹۹: ۱۵۸-۱۳۵.
۶. شهرستانی، سید هبة‌الدین (۱۳۵۶). اسلام و هیئت. ترجمه سید هادی خسروشاهی. علم نجوم و هیئت در اسلام. قم: بوستان کتاب.
۷. رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۷). آنا تومی جامعه یا سنة الله: جامعه‌شناسی کاربردی. تهران: انتشارات کاوه.
۸. علی حسینی، علی. و زهره شمس (۱۳۹۵). رابطه فرهنگ و سیاست: تبیین جایگاه ارزش‌های دینی در سینمای جمهوری اسلامی ایران در دهه‌های شصت، هفتاد و هشتاد. اسلام و مطالعات اجتماعی. دوره ۳. شماره ۴ (پیاپی ۱۲): ۶۸-۳۸.
۹. نصیری، مهدی (۱۳۹۸). عصر حیرت. تهران: مکتبه الصدیقة الشهيدة.
۱۰. وثیق، شیدان (۱۳۸۷). لائسیته چیست؟ چاپ ۲. تهران: نشر اختران.
۱۱. همایون مصباح، سید حسین (۱۳۸۸). نقش عالمان شیعه در خرافه‌زدایی در تاریخ معاصر. حوزه. شماره ۱۵۴-۱۵۳: ۲۰۵-۱۵۲.

12. <http://www.asebankafinet.ir>
13. <http://www.ensafnews.com>
14. <https://www.iqna.ir>
15. <https://www.irna.ir>
16. <http://isna.ir>
17. <http://www.ispa.ir>
18. <https://www.khabaronline.ir>
19. <http://www.socio-shia.com>
20. <http://www.zohur.net>